

## تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران

فرهاد قاسمی<sup>۱</sup>، احمد ماله‌میر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۱

### چکیده

ج.ا.ایران با تهدیدهای راهبردی مختلفی روبه‌رو می‌باشد و به دلیل حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مداخله‌گر در نظام‌های تابعه آن مجبور به طراحی نظام‌های مدیریتی مختلفی خواهد بود. در این میان، منطقه خلیج فارس از جمله مناطقی است که هم برای ایران دارای ارزش راهبردی است و هم کانون تهدیدهای قدرت‌های مخالف و مداخله‌گر علیه این کشور می‌باشد. در این راستا ایران برای مقابله با این تهدیدها، نیازمند نظام‌های واپاشی از جمله نظام بازدارندگی منطقه‌ای می‌باشد. این نظام تحت تأثیر متغیرهای نظام منطقه‌ای خلیج فارس خواهد بود و بر اساس چنین متغیرهایی، الگوی منطقی و فیزیکی آن شکل می‌گیرد. این پژوهش ضمن بررسی بنیان‌های نظری بازدارندگی و ارائه الگوی تحلیلی بازدارندگی منطقه‌ای به بررسی ویژگی‌های محیط امنیتی و راهبردی نظام خلیج فارس پرداخته و سرانجام الگوی بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران را در چنین محیطی ترسیم می‌نماید. نویسندگان بر این باورند که بازدارندگی مثالی و شبکه‌ای از جمله الگوهای کارآمد در راهبرد کلان دفاعی ایران می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** خلیج فارس، محیط راهبردی، بازدارندگی منطقه‌ای، راهبرد دفاعی، تهدید.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه شیراز

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

## ۱. کلیات

### ۱-۱. طرح مسئله

ایران در حیات سیاسی خود، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در معرض تهدیدهای فراوان قرار گرفته است و همیشه با معمای امنیت روبه‌رو بوده است. در بخشی از دوران با فروپاشی امپراتوری خود روبه‌رو شد و استقلال خود را در برابر اعراب از دست داد. در دوره دیگر، ایران در معرض سلطه مغولان و تاتاران (۱۵۰۲-۱۲۵۸) قرار گرفت و در دوران امپراتوری عثمانی نیز ایران به دلیل ضعف داخلی به جولانگاهی برای این امپراتوری تبدیل شد و در دوره دیگر، پرتغالی‌ها که در جست‌وجوی سرزمین جدیدی بودند به خلیج فارس و جزایر ایرانی سرازیر شدند و یا در قرن ۱۹ و ۲۰، روسیه یکی از تهدیدها علیه ایران بود. در همین راستا این کشور قراردادهای متعددی بر ایران تحمیل کرد (مهدوی، ۱۳۵۷). با شکل‌گیری نظام بین‌المللی اروپامحور و پدیدار شدن رقابت‌های استعماری، قدرت‌های اروپایی به‌عنوان تهدیدی علیه ایران مطرح بودند و به دلیل سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود، به ایران به‌عنوان ابزار یا صحنه راهبردی برخوردهای خود نگاه نمودند؛ به‌گونه‌ای که در اثر رقابت بین این قدرت‌ها، ایران به بخش‌های متعددی تقسیم گردید که تجلی آن را در قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۰۷ می‌توان مشاهده کرد. سرانجام در جنگ جهانی اول و دوم نیز مداخله خارجی افزایش یافت و این سرزمین به اشغال قوای متفق در آمد که با کودتای ۱۳۳۲ توسط آمریکا، ایران به‌طور رسمی تبدیل به یکی از متحدان این کشور شد. در تمامی دوران یادشده که ایران با تهدیدهای متعدد خارجی روبه‌رو بوده است از راهبردهای مختلفی برای بقا استفاده نموده است. در این میان، راهبردهای ایران در دوره‌های تاریخی، بهره‌گیری از رقابت قدرت‌های بزرگ برای تداوم حیات خود بوده است. از این‌رو، توسل به نیروی سوم و سیاست ائتلاف و اتحاد به‌عنوان راهبرد این کشور مطرح بود.

در دوره نوین با پیروزی انقلاب اسلامی، تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی مختلفی علیه ایران شکل گرفت که مهم‌ترین این تهدیدها را باید در قالب تهدیدهای ساختاری ناشی از نظام سیطره‌جو و تهدیدهای ناشی از فرایندهای نظام جهانی مطرح کرد. راهبردهای نظامی قدرت مداخله‌گر آمریکا از جمله جنگ‌های محدود یا تمام‌عیار و حتی تهدیدهای نیابتی مانند تهدیدهای رژیم اشغالگر صهیونیستی، همچنین راهبردهای غیرنظامی مانند تحریم‌ها، سیاست مهار و غیره از جمله تهدیدهایی است که بقا و تمامیت سرزمینی و نظام ج.ا.ایران را هدف قرار داده است. در پاسخ به چنین تهدیدهایی، آنچه ضرورت می‌یابد شکل بخشیدن به نظام بازدارندگی کارآمدی است که باعث جلوگیری از جنگ و تهدیدها علیه تمامیت سرزمینی و منافع حیاتی شود، اما چنین نظامی، مستلزم مدیریت و تجمع توان برای شکل بخشیدن به ثبات راهبردی و موازنه‌بخشی در برابر تهدیدهای موجود منطقه‌ای از سوی قدرت‌های متخاصم می‌باشد. در این میان آنچه مهم تلقی می‌گردد و می‌تواند چنین توانی را در اختیار ج.ا.ایران قرار دهد و نوعی موازنه‌بخشی را در برابر نظم ناهمگون تحمیلی از سوی مداخله‌گر سبب شود، بهره‌گیری از توان ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک محیط منطقه‌ای است. در این راستا، منطقه خلیج فارس از جمله مناطق همجوار ج.ا.ایران می‌باشد که قادر به ایجاد چنین ثبات راهبردی به نفع ج.ا.ایران در وضعیت عدم تقارن قدرت با مداخله‌گر می‌باشد. این حوزه راهبردی با در اختیار داشتن عناصر ژئوپلیتیک و ویژگی‌های خاص می‌تواند جایگاه مهمی در طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران از جمله بازدارندگی مثلثی و شبکه‌ای به‌عنوان الگوی حاکم بازدارندگی در وضعیت ناهمگونی داشته باشد.

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای در راهبرد جمهوری اسلامی ایران با توجه به ناکارآمدی راهبرد سابق به‌عنوان موضوعی راهبردی مطرح می‌باشد. پس این ضرورت

شکل می‌گیرد که راهبرد بومی به منظور مقابله با تهدیدهای خارجی از جمله آمریکا در سیاست خارجی ایران تدوین گردد، اما شکل دادن به این راهبرد مستلزم توجه به متغیرهای منطقه‌ای و جهانی است و طراحی این نظام نیازمند داشتن مبانی نظری و عملی گوناگونی است.

### ۱-۳. هدف‌های تحقیق

به طور کلی این پژوهش دارای دو هدف نظری و کاربردی است. نخست از بُعد نظری، گامی برای شکل‌گیری نظریه‌های نوین بازدارندگی به‌ویژه در راستای نیاز کشورهایی مانند ج.ا.ایران می‌باشد که خواهان استقلال رفتاری در حوزه سیاست بین‌الملل و منطقه‌ای می‌باشند و دوم از بُعد کاربردی است که به شکل‌گیری راهبرد کلان دفاعی ج.ا.ایران کمک می‌نماید.

### ۱-۴. پرسش‌های تحقیق

#### ۱-۴-۱. پرسش اصلی

پرسش محوری این پژوهش آن است که با توجه به تهدیدهای نوین نظام بین‌الملل علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله تهدیدهای ناشی از قدرت سیطره‌جو و مداخله‌گر در منطقه راهبردی آن، ویژگی‌های منطقه خلیج فارس چه تأثیری بر نوع نظام بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ به عبارت دیگر، محیط راهبردی یادشده چه نوعی از بازدارندگی را برای جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌نماید؟

#### ۱-۴-۲. پرسش‌های فرعی

در همین راستا، پرسش‌های فرعی زیر قابل طرح است:

(۱) بازدارندگی و محیط‌های راهبردی چگونه تعریف می‌شوند؟

- (۲) الگوی تحلیلی و نظری پژوهش کدام است؟
- (۳) کارگزاران تهدید در منطقه خلیج فارس کدامند؟
- (۴) متغیرهای بنیادین خلیج فارس در طراحی بازدارندگی منطقه ای ج.ا.ایران کدامند؟
- (۵) ویژگی ارتباطی خلیج فارس با محیط‌های منطقه‌ای راهبردی چه تأثیری بر قدرت واپایش‌کنندگی ایران (نظام بازدارندگی) آن دارد؟
- (۶) هم‌افزایی در شبکه‌سازی خلیج فارس و محیط راهبردی پیرامونی ج.ا.ایران چگونه است؟
- (۷) ارتباط الگوی نظام بازدارندگی ج.ا.ایران و خلیج فارس چگونه تبیین می‌گردد؟

#### ۱-۵. فرضیه تحقیق

در پاسخ به پرسش اصلی و بر مبنای هدف‌های پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که محیط امنیتی خلیج فارس و ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر آن سبب می‌شود که نظام بازدارندگی «شبکه‌ای و مثلثی» به‌عنوان نظام بازدارندگی بومی ج.ا.ایران در برابر نظام بازدارندگی منطقه‌ای یکجانبه و گسترده آمریکا شکل گیرد.

#### ۱-۶. پیشینه تحقیق

در پاسخ به پرسش‌های یادشده، چند گروه از ادبیات را در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌توان تشخیص داد. در گروه اول، موضوع ایران بیشتر در قالب رویکرد تاریخی و توصیفی مطرح بوده است (احتشامی، ۱۳۷۸، ازغندی، ۱۳۸۰، سریع‌القلم، ۱۳۷۹، سیف‌زاده، ۱۳۸۴، سجادپور، ۱۳۸۴). در گروه دوم و در برخی از ادبیات روابط بین‌المللی به‌ویژه در حوزه ایران، در راستای ارائه چارچوبی مفهومی از سیاست خارجی تلاش شده است (رمضانی، ۱۳۸۰). در گروه سوم، برخی از ادبیات در حوزه بازدارندگی شکل

گرفته‌اند که به مباحث نظری بازدارندگی پرداخته‌اند. این گروه از ادبیات تحت تأثیر سلاح‌های غیرمتعارف هسته‌ای می‌باشند و نظراتی بر این مبنا شکل گرفته‌اند (امیری، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۵۳، ازغندی، ۱۳۷۰، ازغندی، ۱۳۷۳: ۷۹-۶۵، بلوجی، ۱۳۸۱: ۷۴۸-۷۲۷، عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۴۸-۱۹، قاسمی، زمستان ۱۳۸۳: ۹۸-۷۱، قاسمی، ۱۳۸۴، قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۹۷، قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۰۳، گارن، ۱۳۷۹، (Lemke, 2002, Paul, 1999, Russell and Daniel, 2009).

مهم‌ترین دلیل ناکارآمدی ادبیات موجود در این نکته نهفته است که ادبیات نظری بر مبنای سیاست قدرت‌های بزرگ و تهدیدهایی شکل گرفته که این قدرت‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند و ادبیات نظریه بازدارندگی نیز به شدت تحت تأثیر این متغیرها بوده است و در قالب نظری تأکید آن بر بازی‌های راهبردی می‌باشد و بازدارندگی منطقه‌ای نیز به دلیل الزام‌های نظام نوین بین‌المللی در دوره پس از جنگ سرد مطرح شده نیز در قالب نیازهای آمریکا و دخالت در مسائل منطقه‌ای در دوره ثبات سیطره‌جویانه (هژمونیک) می‌باشد، اما این موضوع که کشورهای کوچک در برابر تهدیدهای خارجی و نظام بازدارندگی قدرت‌های بزرگ چه نوع پاسخی را در قالب نظام بازدارندگی متقابل ارائه نمایند، در ادبیات نظری روابط بین‌الملل مورد توجه قرار نگرفته است. افزون بر آن، به تأثیرگذاری محیط راهبردی منطقه‌ای از جمله محیط خلیج فارس بر نوع نظام بازدارندگی ج.ا.ایران توجه چندانی نشده است.

#### ۱-۷. سازماندهی تحقیق

در راستای پاسخ به پرسش اصلی و فرضیه مطرح شده، در ابتدا به بنیان‌های مفهومی پژوهش و طراحی الگوی بازدارندگی پرداخته می‌شود. هدف اصلی در این قسمت، ارائه نظریه بازدارندگی منطقه‌ای از سوی قدرت یا قدرت‌های منطقه‌ای در برابر تهدیدهای سیطره‌جویانه نظام جهانی یا به عبارتی قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای است و در قسمت دوم به کاربست این نظام در رابطه با محیط امنیتی راهبردی خلیج فارس

پرداخته می‌شود و الگوی تحلیلی و پیش‌بینی‌کننده در حوزه بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌گردد.

## ۲. بنیان‌های نظری و مفهومی

### ۲-۱. بازدارندگی

بازدارندگی را جلوگیری و ممانعت از انجام رفتار فرد و یا کشوری توسط کشور دیگر از طریق تهدید و اعمال مجازات تعریف کرده‌اند. در روابط بین‌الملل، سیاست بازدارندگی به سیاستی اشاره دارد که در آن، رهبران یک کشور با استفاده از تهدید نیروی نظامی خود، رهبران کشور مورد نظر را از انجام عملی بازدارند و یا به انجام عملی ترغیب کنند (Paul, 1999: 25-48). بازدارندگی دارای الگوی منطقی و فیزیکی است. سه شرط «اعتبار، توانایی و ارتباط» بنیادهای منطقی بازدارندگی را تشکیل می‌دهد. در الگوی فیزیکی بازدارندگی به دو جنبه باید توجه کرد. اولین جنبه، مشخص کردن کارگزاران تهدید و طرف‌های بازدارندگی در این منطقه و جنبه دوم، گونه‌بندی بازدارندگی منطقه‌ای است. بازدارندگی به گونه‌های چندی از قبیل «بازدارندگی مستقیم، دوجانبه و بازدارندگی غیرمستقیم، یکجانبه، بازدارندگی فوری و بازدارندگی عمومی، بازدارندگی درونی‌شده، بازدارندگی متعارف و بازدارندگی غیرمتعارف (هسته‌ای)، بازدارندگی جهانی، بازدارندگی منطقه‌ای» تقسیم‌بندی می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۹۷، قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۳-۵۵، Slantchev, 2005: 421-439, Zager and Kilgour, 2000: 25-48, Russell and Daniel, 2009: 1, Zagare, 1985: 155-169) در این میان، بازدارندگی در قالب شبکه‌ای نیز مطرح می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۹۰). تمامی گونه‌های بازدارندگی تحت تأثیر محیط‌های راهبردی هستند که کارگزاران بازدارندگی در درون آن قرار گرفته و دست به اقدام راهبردی می‌زنند.

## ۲-۲. محیط‌های راهبردی

محیط‌های راهبردی به گونه‌های مختلفی از جمله محیط امنیتی متعارف، محیط امنیتی نامتعارف، محیط آشوب، محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران برابر، محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران نابرابر و محیط امنیتی مبتنی بر صلح و یا آشوب تقسیم می‌شود. در محیط امنیتی متعارف از سلاح‌های متعارف و برعکس در محیط امنیتی نامتعارف از سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی برای تأمین امنیت استفاده می‌شود. در محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران برابر، قدرت واحدها برابر و در محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران نابرابر، قدرت واحدها نابرابر و ناهمگون است. نوع بازدارندگی مورد استفاده در هر یک از این محیط‌ها به شکل‌های مختلفی تجلی می‌نماید، اما از مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرگذاری محیط راهبردی بر بازدارندگی، ویژگی محیط منطقه‌ای در توانایی خلق تهدید به‌عنوان محور شکل‌گیری نظام بازدارندگی می‌باشد. به عبارتی بازدارندگی بر معادله تهدید و موازنه‌سازی تهدید قرار دارد، اما محور اساسی، چگونگی خلق چنین تهدیدی است. در این میان، محیط منطقه‌ای از دو منظر زیر توانایی خلق تهدید را خواهد داشت:

- (۱) ویژگی‌های ذاتی و درونی محیط منطقه‌ای و حضور مداخله‌گر و متحدان راهبردی آن،
- (۲) توانایی تولید منابع و پیوند ارتباطی و کارکردی بین حلقه‌های شبکه منطقه‌ای و جهانی با چنین محیطی.

## ۲-۳. راهبردهای بازدارندگی

- در بازدارندگی، راهبردهای مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از:
- ۲-۳-۱. راهبرد تهاجمی: حمله به دشمن برای ناکارآمد ساختن توان تهدید آن،
  - ۲-۳-۲. راهبرد تهاجمی مثلی: حمله به متحدان حریف برای منحرف ساختن

دشمن از حمله،

۲-۳-۳. راهبرد تدافعی: این راهبرد خود به دو بخش دفاع عامل و غیرعامل تقسیم می‌شود. دفاع عامل مبتنی بر تجهیزات نظامی و دفاع غیرعامل مربوط به دفاع شهری و دفاع از طریق تجهیزات و ادوات غیرنظامی است.

۲-۳-۴. راهبرد شبکه‌سازی مبتنی بر چگالی ارتباطی بین بخش‌های شبکه منطقه‌ای برای بهره‌گیری در زمان لازم از طریق مدیریت روابط برای منحرف‌سازی دشمن از حمله یا نابودی آن،

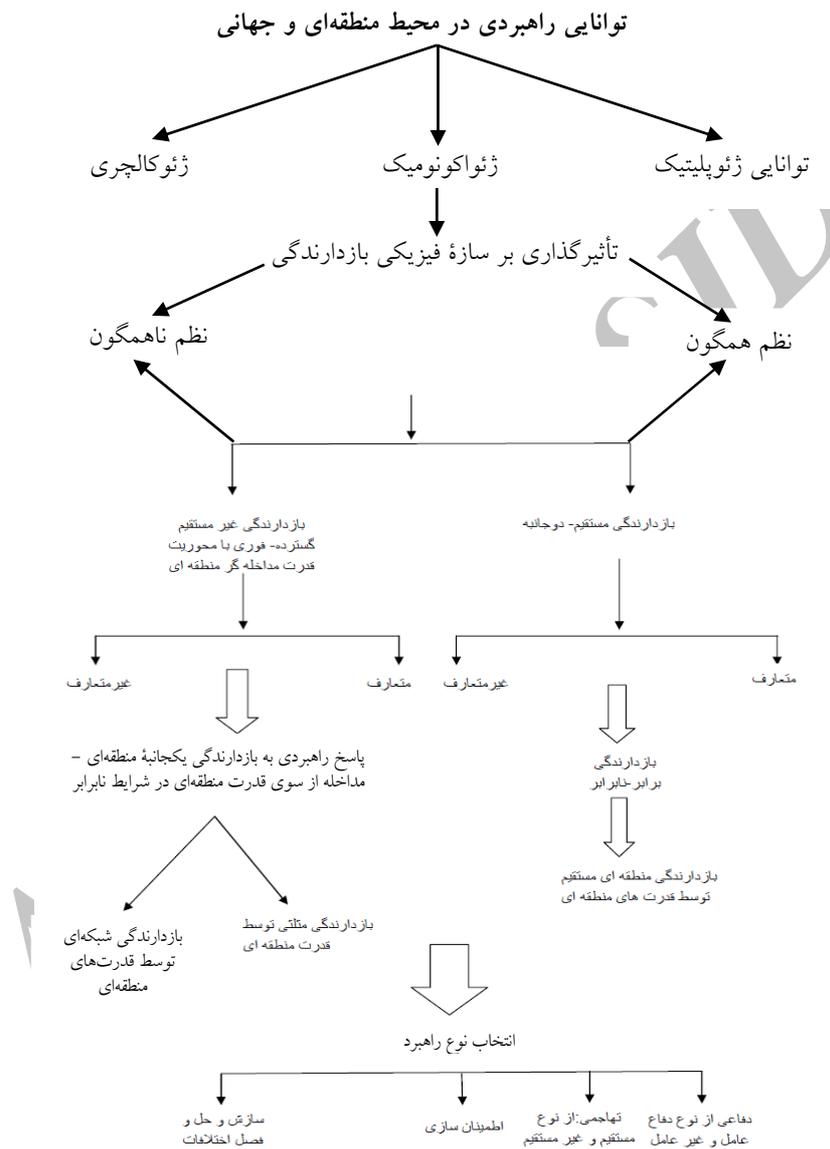
۲-۳-۵. راهبرد اطمینان‌سازی دشمن از طریق القای بی‌خطر بودن اقدام‌های راهبردی خود،

۲-۳-۶. راهبرد سازش: رفع علل بروز برخورد و جنگ (فاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

#### ۲-۴. الگوی تحلیلی پژوهش

با توجه به موارد یادشده و الگوی تحلیلی پژوهش بر محوریت توانایی‌های راهبردی و پیوند آن با بازدارندگی، الگوی زیر را می‌توان ترسیم نمود. در این الگو، توانایی‌ها ناشی از عناصر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و برخی از عناصر ساختارهای داخلی است. توانایی‌های یادشده دو نوع نظم همگون و ناهمگون را پدیدار می‌نماید. بر این اساس، انواع گوناگونی از بازدارندگی شکل می‌گیرند که مهم‌ترین آنها در دو گونه بازدارندگی دوجانبه و مستقیم از یک‌سو (در نظم همگون) و بازدارندگی غیرمستقیم از نوع شبکه‌ای و مثلثی از سوی دیگر (در نظم ناهمگون) می‌باشد.

شکل شماره ۱. الگوی تحلیلی توانایی‌های راهبردی و بازاریابی



### ۳. خلیج فارس و بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران

خلیج فارس از جمله مناطقی است که از اهمیت زیادی در سیاست بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای ج.ا.ایران برخوردار می‌باشد. این حلقه از شبکه راهبردی ج.ا.ایران دارای خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که سازه و منطق خاصی را برای بازدارندگی این کشور ضروری می‌نماید. حلقه یادشده تجلی‌گاه تهدیدهای راهبردی علیه ایران بوده و از سوی دیگر در درون خود دارای عناصری است که می‌تواند عاملی بازدارنده در برابر تهدیدها نیز محسوب گردد. به این جهت، حلقه یادشده ویژگی دو وجهی دارد. وجه اول، تجلی‌گاه تهدیدها و وجه دوم، عنصر مقابله‌کننده با تهدیدها خواهد بود.

#### ۳-۱. کارگزاران تهدید در منطقه خلیج فارس

کارگزاران تهدید در منطقه خلیج فارس به دو دسته «درون منطقه‌ای و داخلی» و «برون منطقه‌ای» تقسیم می‌گردند (Sokolsky, 2003):

##### ۳-۱-۱. کارگزاران تهدید درون منطقه‌ای در خلیج فارس

کارگزاران تهدید درون منطقه‌ای در خلیج فارس ناشی از سیاست و راهبردهای برخی از بازیگرانی است که در درون حوزه خلیج فارس قرار دارند. از اوایل سال ۱۹۶۰، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان ترجیح داده‌اند که قدرت‌های خارجی، تأمین‌کننده امنیت این کشورها باشند. در این دوره، بیشتر کشورهای عربی این حوزه از بریتانیا پیروی می‌کردند. تنها عربستان سعودی بود که با آمریکا ارتباط برقرار کرده بود، اما از سال ۱۹۷۱ که انگلستان از این منطقه عقب‌نشینی کرد، همه کشورهای عربی این حوزه، سیاست چرخش به سمت آمریکا را در پیش گرفتند. سراسر دوره ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دولت‌های منطقه تحت تسلط نظام سیطره‌جویانه تبعی ایران بودند. پس از خروج بریتانیا از منطقه، ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، سیاست

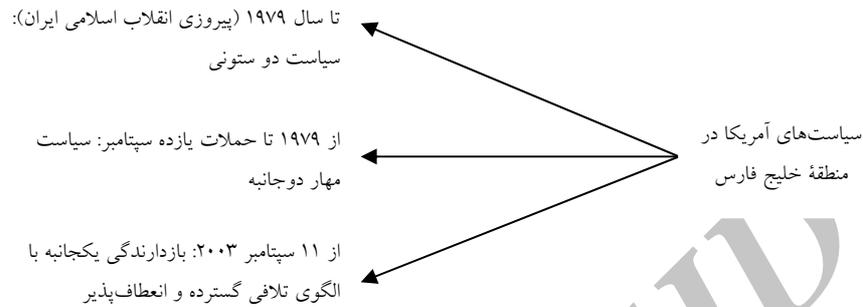
دوستونی خود را در منطقه اعمال کرد. (Sokolsky, 2003: 38).

از سوی دیگر کشورهای خلیج فارس نسبت به غرب دیدگاهی دارند که با دیدگاه‌های ایران متفاوت است. آنها پیش از آنکه یک کشور باشند، یک واحد سیاسی کوچک هستند. بیشتر این شیخ‌نشین‌ها، فاقد حداقل بنیادهایی هستند که وجودش برای یک کشور مستقل لازم است. سرزمین کوچک، جمعیت اندک و اغلب بیسواد و غیرکارآمد، عدم وجود فرهنگ و تمدنی تاریخی، آسیب‌پذیری زیاد جامعه نسبت به هر نوع تنش و بسیاری از عوامل دیگر وجود دارد که موجب شده این کشورها نتوانند بدون کمک مؤثر بیگانه به زندگی خود ادامه دهند (کرمی، ۱۳۷۲: ۱۷۲). این کشورها از طریق اتحاد با آمریکا می‌توانند برای جمهوری اسلامی ایران تهدیدزا باشند.

#### ۲-۱-۳. کارگزار اصلی تهدید برون‌منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس

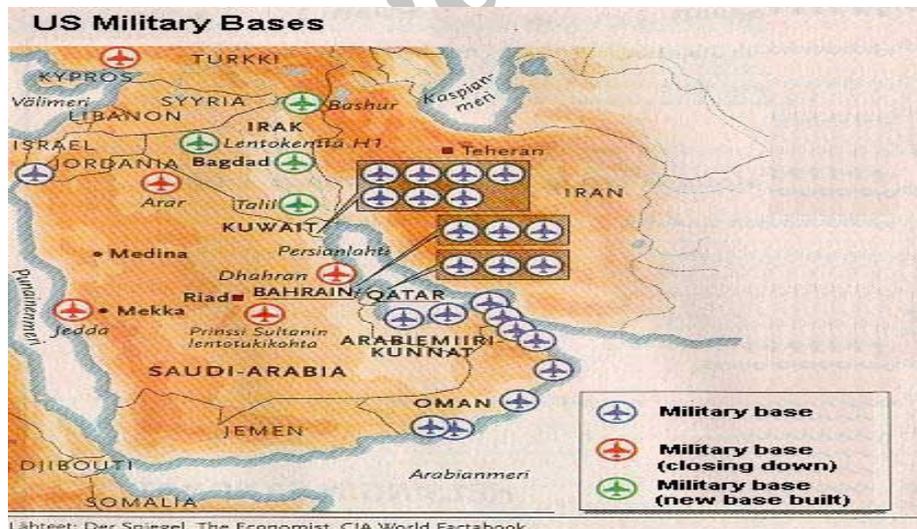
اصلی‌ترین تهدید برون‌منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس در زمان کنونی، آمریکا است که در این منطقه دارای منافع حیاتی است و به همین دلیل، تمام تلاش خود را برای تسلط بر این منطقه می‌کند. پس از بحران انرژی در اوایل سال ۱۹۷۰، ایالات متحده بر ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور مهم در زمینه ایجاد ثبات در خلیج فارس متمرکز شد و این سیاست دو ستونی آمریکا، از توسعه‌طلبی روس‌ها جلوگیری کرد و ضرورت حضور فیزیکی واشنگتن را در منطقه برطرف کرد. همچنین این سیاست دو ستونی از تهدیدهای عراق بر منطقه کاست. انقلاب اسلامی و سیاست آمریکاستیزی ایران باعث برهم خوردن این سیاست دو ستونی آمریکا شد (Ekovich, 2004: 72). کاخ سفید با تشکیل اتحادیه‌های نظامی و نیز از طریق کمک به رهبران عربی در این منطقه، به گسترش نفوذ خود پرداخته است. سیاست این کشور نسبت به ایران سه دوره متمایز را طی نموده که می‌توان به شکل زیر نشان داد:

شکل شماره ۲. سیاست‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس



به این سبب آمریکا با حضور در منطقه خلیج فارس و اعمال نظام بازدارندگی یکجانبه گسترده به عنوان طرف اصلی در نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران مطرح می‌باشد. نقشه‌های زیر حضور این کشور را در این منطقه نشان می‌دهد:

نقشه شماره ۱. پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه



نقشه شماره ۲. نیروی نظامی آمریکا در کشورهای منطقه خلیج فارس



Source: <http://persiangulfstudies.com/Fa/index.asp?p=pages&ID=643>

### ۲-۳. متغیرهای بنیادین طراحی بازدارندگی در منطقه خلیج فارس

خلیج فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی در ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی و همچنین کانون محیط راهبردی و شبکه‌ای ج.ا.ایران، دارای ویژگی‌هایی است که تأثیر مستقیمی بر گونه‌بندی نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران دارد. به عبارتی روشن، حلقه خلیج فارس و ویژگی‌های آن، تأثیر مستقیمی بر نوع بازدارندگی ایران در حوزه شبکه منطقه‌ای خود دارد. بازدارندگی، معادله راهبردی است که بر اساس رابطه تهدید و یا تهدید متقابل شکل می‌گیرد و این تهدید به گونه‌ای دارای اعتبار می‌باشد که باعث خنثی‌سازی حمله و رفتارهای تهاجمی طرف مقابل می‌گردد. خلیج فارس در درون خود عناصری دارد که به این رابطه تهدید، آن هم به نفع نظام راهبردی ایران شکل می‌دهد و از آن طریق می‌توان به طراحی نظام بازدارندگی کارآمد شکل بخشید. از این منظر مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتند از:

- (۱) توانایی تولید و عرضه منابع مورد نیاز نظام جهانی و قطب تولید انرژی جهان بودن،
- (۲) ویژگی‌های ارتباطی خلیج فارس و به عبارتی کارکرد ارتباطی پیوندی خلیج فارس با سایر حلقه‌های موجود در سازه فیزیکی نظام جهانی،
- (۳) عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس به عنوان ایفاکننده نقش تهدید و فرصت راهبردی در نظام بازدارندگی،
- (۴) قرار گرفتن متحدان راهبردی قدرت مداخله‌گر آمریکا در منطقه و آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تهدیدهای راهبردی قدرت‌های منطقه‌ای.

### ۳-۳. عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس

با وجود تفاوت در کارکرد و اندازه، تمامی ساختارها، دارای عناصر ژئوپلیتیکی مشخص و مشترکی هستند. در همین راستا خلیج فارس دارای عناصر ژئوپلیتیک زیر می‌باشد:

۳-۳-۱. هسته مرکزی یا تاریخی منطقه خلیج فارس: هسته مرکزی یا تاریخی یعنی حوزه‌ای که در آن یک دولت به وجود آمده و از میان آن، ایده دولت توسعه یافته است. منطقه خلیج فارس فاقد یک کانون منطقه‌ای تاریخی و یکپارچه‌ساز می‌باشد. جز ایران که دارای قدمت تاریخی چندین هزار ساله است، سایر کشورهای این منطقه دارای سابقه تاریخی چندانی نیستند و بیشتر این کشورها پس از جنگ جهانی اول و نیز جنگ جهانی دوم تشکیل شده‌اند. بنابراین بیشتر دولت‌های این منطقه فاقد انسجام و یکپارچگی برای تشکیل دولت - ملت بوده‌اند.

۳-۳-۲. فقدان پایتخت‌ها یا مراکز سیاسی: منطقه خلیج فارس فاقد یک پایتخت سیاسی منطقه‌ای است. ناهمگونی سیاسی یکی از این عوامل است.

۳-۳-۳. یکومنی؛ از آنجا که به لحاظ اقتصادی، یکومنی پیشرفته‌ترین بخش از دولت

می‌باشد، به‌طور معمول، مهم‌ترین حوزه سیاسی نیز محسوب می‌گردد. اولین ایکومنی در امتداد ساحل کویت تا بصره، دومین شهر بزرگ عراق در ساحل اروندرود تا آبادان، جزیره‌ای در دلتای اروندرود و تا خرمشهر در مصب رودخانه‌های کارون و اروندرود کشیده شده است. این نواحی (یکی میان عراق و ایران و دیگری میان عراق و کویت) پرجمعیت‌ترین و فعال‌ترین نواحی اقتصادی هستند. دومین ایکومنی فراملی این منطقه، عربستان سعودی را به بحرین متصل ساخته و بخش‌هایی از دو منطقه میانی و بیابان جنوبی را در بر می‌گیرد. این ناحیه ۲۴۰ مایل از ریاض در بیابان داخلی تا ساحل مراکز سعودی الدام و الجبیل را پوشش داده و از آنجا به مجمع‌الجزایر بحرین می‌رسد. سومین ایکومنی، شامل مرکز مهم صنعتی الدام و شهرهای مجاور آن با جمعیتی بیش از دو میلیون نفر می‌باشد. الدام به‌عنوان بندری در آب‌های عمیق و پایانه شرقی راه‌آهن از ریاض، توسعه یافت. در مجاورت آن، مرکز نفتی طهران قرار دارد که از کانون‌های بین‌الملل هوایی بوده و محل یکی از پایگاه‌های بزرگ ایالات متحده می‌باشد. ایکومنی سعودی همچنین در امتداد باریکه‌ای از خلیج فارس تا بحرین، یکی از مهم‌ترین مراکز بانکداری و مالی خاورمیانه کشیده می‌شود. در ایران، چند ایکومنی وجود دارد. تهران در شمال با ۱۰ درصد از جمعیت کشور و نیمی از صنایع، ناحیه کانونی اقتصادی و جمعیتی مهم محسوب می‌شود. مجموعه‌های دیگر در اطراف تبریز و مرکز آذربایجان ایران در شمال غربی، خوزستان غنی از نفت در جنوب غربی، شهر صنعتی اصفهان در مرکز متمرکز هستند. گسترش ایکومنی تهران به‌واسطه کوه‌های البرز در شمال و دشت‌های نیمه‌خشک تا خشک در جنوب و غرب محدود شده است. به‌تازگی مراکز دیگری در عسلویه ایران نیز در حال شکل‌گیری است.

۳-۳-۳. سرزمین مؤثر ملی و سرزمین منطقه‌ای: به‌دلیل عدم وجود یک ایکومنی منطقه‌ای یکپارچه در خلیج فارس، این منطقه فاقد یک سرزمین منطقه‌ای مؤثر می‌باشد. مناطق خالی: بیابان‌های عربستان و عراق و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس

کشورهای این منطقه را از هم جدا کرده است. ویژگی‌های کوهستانی ایران این کشور را از سایر کشورهای همسایه جدا کرده است.

۴-۳-۳. مرزها: کشورهای این منطقه بر سر تعیین مرزهای خود با یکدیگر اختلاف دارند، تحدید حدود و علامت‌گذاری و قراردادهایی مرزی آنها، هیچ دولتی را از اختلاف‌های مرزی مصون نمی‌دارند.

۵-۳-۳. بخش‌های غیرهمسان: این بخش‌ها شامل نواحی جدایی طلب اقلیت‌ها در داخل دولت‌ها و نیز دولت‌های منزوی در مناطق می‌شود. دولت‌های این منطقه، بخش‌هایی دارند که با حکومت مرکزی، سازگار نیستند و قدرت مرکزی هم سعی در واپایش این بخش‌ها دارد.

۶-۳-۳. واقعیت ارتباطی: از جمله عنصر ژئوپلیتیک مؤثر و ارتباط‌بخش در خلیج فارس، تنگه هرمز می‌باشد. جنبه‌های ژئواستراتژیکی تنگه هرمز عبارتند از: (۱) قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان غرب، به‌عنوان یک نقطه واپایش و اعمال فشار،

(۲) تکیه‌گاه دفاعی شبه جزیره عربستان: شبه جزیره عربستان سه نقطه واپایشی و دفاعی دارد که دفاع از شبه جزیره را آسان می‌کند؛ این سه نقطه عبارتند از: تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب و کانال سوئز. تنگه هرمز، هم برای قدرت دریایی در مقابله با قدرت بری، و هم برای قدرت بری در مقابله با قدرت دریایی، نقش دفاعی مناسبی دارد،

(۳) واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران: تنگه هرمز در مسیر ارتباط به داخل فلات ایران قرار دارد و از طرفی بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین راه ارتباطی اقیانوس هند به داخل فلات ایران، از بندرعباس و شمال تنگه هرمز عبور می‌کند،

(۴) قرار داشتن در موقعیت مناسب برای ورود به شبه جزیره عربستان.

جدول شماره ۱. جنگ و برخوردهای مرزی بین دولت‌های خلیج فارس

ردیف	نام کشورهای درگیر	تعداد جنگ‌ها و برخوردهای مرزی
۱	ایران - عراق	۸ سال جنگ (۱۹۸۸-۱۹۸۰)
۲	عراق - کویت	جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، حداقل ۲۰ برخورد مرزی بین سال ۱۹۹۳-۱۹۷۳
۳	عربستان - یمن	۴ جنگ در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۳۴، ۱۹۶۲، ۱۹۶۹ و حداقل ۱۰ برخورد مرزی از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹
۴	عربستان - عراق	جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱
۵	عمان - یمن	جنگ ظفار و حداقل سه برخورد مرزی در سال‌های ۱۹۷۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۷
۶	فجیره - شارجه	برخورد مه ۱۹۷۹
۷	عربستان - قطر	برخورد سپتامبر ۱۹۹۲
۸	قطر - بحرین	برخورد ۲۶ آوریل ۱۹۸۶
۹	عمان - امارات عربی متحده	برخورد ۸ نوامبر ۱۹۹۲

منبع: جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۸.

جدول شماره ۲. اختلاف‌های مرزی و ارضی حل نشده در خلیج فارس

ردیف	نام کشورهای طرف اختلاف	موضوع مورد اختلاف
۱	امارات عربی متحده - عمان	مرزهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان
۲	امارات عربی متحده - عمان	(ارضی) بخش‌هایی از راس الخیمه و شارجه
۳	ایران - عراق	مرز دریایی
۴	امارات عربی متحده - قطر	(ارضی) جزیره حالول و چند جزیره دیگر و خورالعدید
۵	ایران - کویت	مرز دریایی
۶	عراق - کویت	(ارضی) کویت و به‌ویژه جزایر ورهبه و بومیان
۷	ایران - امارات عربی متحده	(مرز دریایی) به جز مرز دریایی بین ایران - دبی
۸	امارات عربی متحده - عربستان	مرزهای دریایی
۹	بحرین - قطر	(ارضی) مجمع الجزایر حواری و نوار زیاره
۱۰	بحرین - قطر	مرز دریایی
۱۱	عربستان - قطر	مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید
۱۲	عربستان - کویت	مرز دریایی
۱۳	عربستان - کویت	(ارضی) جزایر ام‌المرادم و قارو
۱۴	عراق - کویت	مرز دریایی
۱۵	عربستان - یمن	(ارضی) مناطق و استان‌های مارب، جوف، ربیع الخالی، حضرموت، عسیر، نجران و جیزان
۱۶	میان ۷ عضو امارات عربی متحده	مرزی و ارضی (۱۲ مورد)

منبع: جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۳.

از جمله پیامدهای عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس، البته با نگرش ارتباطی و پیوند متقابل بین آنها، عدم شکل‌گیری فرایند ادغام و همگرایی منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس می‌باشد. این عناصر، پدیدآورنده الگوهای رفتاری خاصی برای کشورهای حوزه خلیج فارس در عرصه راهبردی و دفاعی است. از جمله چنین الگوهایی، امکان‌پذیر و یا ضروری ساختن نظام‌های واپاشی تهدیدمحور از جمله بازدارندگی است. به این سبب کشورهای وابسته و ضعیف در قالب بازدارندگی غیربومی یکجانبه و گسترده قدرت مداخله‌گر قرار گرفته و از سوی دیگر، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران، بخشی از توان راهبردی لازم را برای طراحی نظام بازدارندگی بومی و منطقه‌ای در برابر تهدیدهای راهبردی منطقه‌ای از چنین عناصری به دست خواهند آورد.

#### ۳-۴. توانایی تولید و عرضه منابع راهبردی خلیج فارس

حوزه خلیج فارس در حدود ۶۷۹ میلیارد بشکه ذخیره اثبات‌شده نفت (نزدیک به ۶۶ درصد از کل ذخایر نفت جهان) و ۱۹۱۸ تریلیون فوت مکعب ذخیره گازی (۳۵ درصد کل ذخایر گازی جهان) را در اختیار دارد. چنین ذخایری، این منطقه را به بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان تبدیل کرده است. در حال حاضر، نفتی که از منطقه خلیج فارس از سوی شش کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر، به دست می‌آید، نزدیک به ۱۸/۶ میلیون بشکه در روز است؛ در حالی که کل نفت خامی که در جهان به دست می‌آید، نزدیک به ۷۹/۳ میلیون بشکه در روز است. بنابراین نفت خلیج فارس حدود ۲۳ درصد از نفت مصرفی جهان را تأمین می‌کند (عسگری، ۱۳۸۵: ۲۴).

جدول شماره ۳. متغیرهای اقتصادی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

ردیف	کشورها	میزان ذخایر طبیعی	تولید ناخالص داخلی (براساس قدرت خرید)	رشد سالیانه	سهم تجارت خارجی	رتبه کشور در مقیاس جهانی
۱	عربستان	نفت: ۲۶۴/۶ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۷/۴۶۱ تریلیون مترمکعب	۶۲۲ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۳/۷ درصد (۲۰۱۰)	۳۱۸/۸ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۲۳
۲	عراق	نفت: ۱۱۵ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۳/۱۷ تریلیون مترمکعب (۲۰۱۰)	۱۱۳/۴ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۰/۸ درصد (۲۰۱۰)	۲/۶ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۹۷
۳	امارات متحدہ عربی	نفت: ۹۷/۸ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۶/۰۷۱ تریلیون مترمکعب (۲۰۱۰)	۲۶۴/۸ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۳/۲ درصد (۲۰۱۰)	۱۰۹/۶ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۴۰
۴	عمان	نفت: ۵/۵ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۸۴۹/۵ میلیارد مترمکعب (۲۰۱۰)	۷۵/۸۴ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۴/۲ درصد (۲۰۱۰)	۱۷/۳ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۶۴
۵	کویت	نفت: ۱۰۴ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۱/۷۹۸ تریلیون مترمکعب (۲۰۱۰)	۱۳۶/۵ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۲ درصد (۲۰۱۰)	۹۵/۹۴ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۳۸
۶	بحرین	نفت: ۱۲۴/۶ میلیون بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۹۲/۳ میلیارد مترمکعب (۲۰۱۰)	۲۹/۷۱ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۴/۱ درصد (۲۰۱۰)	۱۶/۹۳ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۶۲
۷	قطر	۲۵/۴۱ میلیارد بشکه (۲۰۱۰) گاز: ۲۵/۴۷ تریلیون مترمکعب (۲۰۱۰)	۱۵۰/۶ میلیارد دلار (۲۰۱۰)	۱۶/۳ درصد (۲۰۱۰)	۸۷/۸۶ میلیارد دلار (۲۰۰۹)	۴۴

ذخایر نفت کشورهای خلیج فارس، ۸۴/۸۵ درصد از کل ذخایر نفت کشورهای عضو اوپک (۷۷۰/۳ میلیارد بشکه) را تشکیل می‌دهند. ذخایر نفت کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و کشورهای غیر اوپک به ترتیب ۱۰/۶ و ۱۸ درصد کل ذخایر جهانی نفت را تشکیل می‌دهند. عربستان سعودی، آمریکا، فدراسیون روسیه به ترتیب سه کشور بزرگ تولیدکننده نفت دنیا هستند. تفاوت فاحش در دو رقم اخیر با رقم مربوط به عربستان سعودی به تنهایی نشان‌دهنده اهمیت ذخایر نفت منطقه است. جدا از ذخایر نفتی، منطقه خلیج فارس دارای ذخایر غنی گاز طبیعی و در مراتب بالای جهانی است. بر اساس آمارهای سال ۱۹۹۴، کشورهای خلیج فارس دارای ۴۵/۲ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز طبیعی هستند که با توجه به کل ذخایر جهانی (به میزان ۱۴۱ تریلیون متر مکعب) ۳۲ درصد یا حدود یک‌سوم کل ذخایر طبیعی را در اختیار دارد. به این ترتیب، منطقه خلیج فارس پس از کشورهای متحد مشترک‌المنافع (جمهوری‌های شوروی سابق) که در مجموع ۵۶ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز طبیعی (با ۳۹/۷ درصد سهم ذخایر جهانی) را در اختیار دارند، دومین منطقه بزرگ دارای ذخایر گاز است (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۲).

وجود منابع راهبردی نفت و گاز در این حلقه از شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران از دو منظر، دارای ارزش راهبردی خواهد بود. بُعد نخست، ارزش رابطه‌بخشی آن از منظر درون‌شبکه‌ای است. خطوط انتقال نفت و گاز و پراکنندگی و توزیع جغرافیایی آن می‌تواند سبب پیوند کارکردی بین بخش‌های مختلف شبکه منطقه‌ای ایران و انسجام بخشی آن گردد. این موضوع سبب افزایش وضعیت چانه‌زنی ج.ا.ایران از طریق تنوع‌بخشی به همکاران راهبردی، وابستگی متقابل منافع، کاهش هزینه مبادله و... گردد. به این سبب، چانه‌زنی در زمان بحران به نفع ایران تغییر خواهد کرد و اعمال تهدید و شکل بخشیدن به معادله تهدید را توسط ایران تسهیل خواهد کرد. دومین بُعد، برقراری پیوند کارکردی بین شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران و سایر شبکه‌های موجود در شبکه جهانی

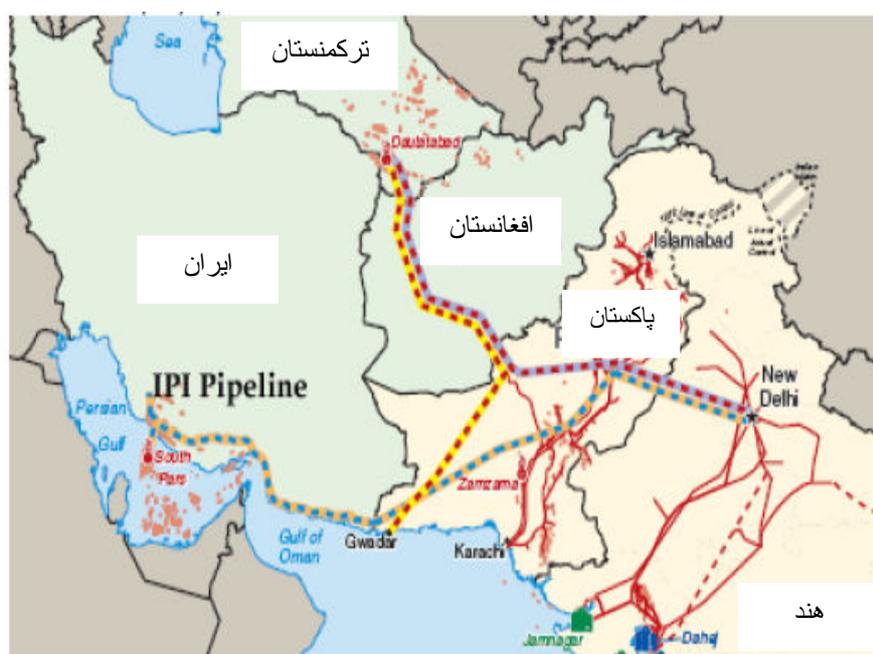
است که این نیز تسهیل معادله تهدید و نفع بخشی به این کشور را در پی دارد.

### ۳-۵. ویژگی ارتباطی خلیج فارس با محیط‌های منطقه‌ای راهبردی قدرت

#### واپایش کنندگی ایران

یکی دیگر از ویژگی‌های حلقه خلیج فارس مربوط به جایگاه آن در چینش ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی است. این ویژگی، توان ارتباط بخشی آن خواهد بود. صرف وجود توان راهبردی برای ایجاد بازدارندگی کفایت نمی‌کند، بلکه انتقال توان و ارتباط سازی برای چنین انتقالی از جمله ضروریات اساسی است. این موضوع ارتباط مستقیمی با اعتبار سازی تهدیدها خواهد داشت. در بازدارندگی، این موضوع ضروری است که چگونه می‌توان تهدیدهای خود را برای دشمن معتبر ساخت؟ بخشی از اعتبار بر عقلانی بودن تهدید بستگی دارد. بخشی از موضوع عقلانی بودن تهدید، امکان پذیر بودن آن را برای حریف مشخص می‌سازد و این باور را در حریف ایجاد خواهد کرد که طرف مقابل از عهده حمله احتمالی آن بر می‌آید و امکانات موجود نیز این توان را در اختیار آن قرار می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۷۹). در اینجا ارتباط سازی شبکه‌ای است که تهدیدها را معتبر می‌نماید.

نقشه شماره ۳. خط لوله نفت ایران، هند و پاکستان



Source: <http://www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=IR>

مهم‌ترین جنبه اعتباربخشی به تهدیدهای و معتبرسازی در بازی‌های نابرابر به توانبخشی محیط منطقه‌ای و در اینجا، محیط راهبردی خلیج فارس بستگی دارد. حوزه خلیج فارس و جایگاه آن در ساختار ژئوپلیتیک، نوعی حلقه ارتباطی بین حوزه‌های ژئوپلیتیک دیگر نیز محسوب می‌گردد. به عبارتی دیگر، از منظر شبکه‌ای از ویژگی ارتباطبخشی برخوردار است. این ویژگی، عامل مهمی در شبکه‌سازی فرامنطقه‌ای و در نتیجه آن، افزایش گستره تهدیدها در نظام جهانی و به دنبال آن افزایش طرف‌های متعدد و در کلامی خلاصه، توانبخشی در تشدید عمودی و افقی بحران و همچنین شدت‌زایی به چنین بحران‌هایی محسوب می‌گردد.

۳-۶. هم‌افزایی در شبکه‌سازی: خلیج فارس و محیط راهبردی پیرامونی ج.ا.ایران شبکه‌ای از مناطق در حوزه سیاست‌گذاری راهبردی ج.ا.ایران تشکیل می‌گردد. در قالب نظریه شبکه، این مناطق به‌عنوان خوشه‌هایی از شبکه واحد در چرخه راهبردی ایران مطرح می‌گردند، اما یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده و پیونددهنده بین حلقه‌های یادشده، ارتباطها و چگالی چنین ارتباطی بین حلقه‌هاست. چگالی ارتباطی منتج به شکل‌گیری شبکه‌ای خواهد شد که در آن، قدرت یا قدرت‌های کانونی توان واپایش‌کنندگی خواهند داشت و این واپایش‌کنندگی می‌تواند به‌عنوان بخشی از بازدارندگی منطقه‌ای عمل کند. در این راستا با مدنظر قراردادن حوزه‌ها و یا به عبارتی مناطق یادشده در حوزه راهبردی ایران، خلیج فارس از جمله گستره‌ای است که با کانونیت ایران، توان ارتباط بخشی بین چنین حلقه‌هایی را خواهد داشت. به‌عبارتی، خلیج فارس، هسته اولیه‌ای است که می‌تواند سبب‌ساز شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران گردد. در این مسیر، بر اساس نظریه نظام‌های پیچیده، مراحل زیر را می‌توان با مبنا قرار دادن خلیج فارس مطرح ساخت:

- (۱) مرحله ساختارهای پراکنده در قالب وجود مناطق مجزا در پیرامون ج.ا.ایران ولی به‌عنوان نقطه یا نقاط آغاز شکل دادن به شبکه منطقه‌ای با هسته خلیج فارس،
- (۲) ایجاد هم‌افزایی بین خوشه‌های مختلف با بهره‌گیری از توان ارتباط‌سازی خلیج فارس با کارگزاری ج.ا.ایران، (کریدور شمال جنوب ایران و کریدور شرق - غرب و خطوط ارتباطی انتقال انرژی)،
- (۳) ایجاد چرخه واحد در درون مناطق ادغامی در قالب شبکه واحد،
- (۴) خودساماندهی نمودن شبکه ایجادی.

#### ۳-۶-۱. مرحله ساختارهای پراکنده و هم‌افزایی

خلیج فارس، کانونی است که از طریق آن، ایران قادر به برقراری پیوند بین

ساختارهای پراکنده و برقراری هم‌افزایی بین آنها می‌باشد. شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران، مجموعه‌ای از ساختارهای پراکنده حلقه خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا، آسیای مرکزی، قفقاز (Sadeghzadeh, 2008: 2-4)، آسیای جنوبی، و لایه‌های دوم و سوم مانند اروپا می‌باشد که هر کدام دارای چرخه‌های خاص خود می‌باشند. ویژگی‌های ژئواکونومیکی منطقه خلیج فارس و پیوند این ویژگی با نیازهای مناطق پیرامونی، نقطه شروع هم‌افزایی شبکه‌ای است.

#### ۲-۶-۳. وحدت بخشی به چرخه نظام‌مند (سیستمی) شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران

گام بعدی در تکامل بخشی به شبکه منطقه‌ای توسط ج.ا.ایران، وحدت بخشی به چرخه‌های نظام‌مند شبکه می‌باشد. در این میان، دو چرخه سیاسی و اقتصادی، مطرح می‌باشد. چرخه سیاسی، معطوف به پیوند بخشی بین عناصر ژئوپلیتیک قدرت می‌باشد. به عبارتی، در معادله تهدید به عنوان زیربنای بازدارندگی، وحدت چرخه بیانگر به هم وابستگی بقا و تمامیت سرزمینی واحدهای مشمول شبکه می‌باشد. از سوی دیگر، چرخه اقتصادی موجب به هم وابستگی منافع اقتصادی و فرایند انباشت سرمایه و رفاه آنها به یکدیگر خواهد بود.

#### ۳-۶-۳. خودساماندهی

در این مرحله، شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران، وارد مرحله ادغام نظام واپاشی خواهد شد. ادغام در نیروهای واپاشی، مجاری و سازه‌های واپاشی انجام می‌شود و هم‌افزایی شبکه‌ای در بخش واپاشی شبکه، قابل مشاهده خواهد بود. در این مرحله، کشورها در نظام‌های مدیریتی نظم، به همکار راهبردی تبدیل می‌شوند. این مرحله تکامل یافته‌ترین مرحله در شبکه‌سازی است و خود را در رژیم‌های امنیتی مشترک رسمی نمایان می‌سازد.

## ۳-۷. الگوی نظام بازدارندگی ج.ا.ایران و خلیج فارس

خلیج فارس از دو منظر می‌تواند بر بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران تأثیرگذار باشد که عبارتند از:

- (۱) حضور قدرت‌های بزرگ و تعریف منافع توسط آنها در منطقه (Paul and ets, 1988) که این موضوع عامل شکل‌گیری نظم ناهمگون منطقه‌ای برای ج.ا.ایران می‌گردد،
- (۲) ویژگی‌های ذاتی خلیج فارس از جمله توانایی تولید منابع مورد نیاز نظام جهانی و همچنین حضور متحدان راهبردی منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر آمریکا و عوارض ژئوپلیتیکی مانند تنگه هرمز. این ویژگی، سبب شکل‌گیری بازدارندگی مثلی در وضعیت ناهمگونی قدرت بین طرف‌ها خواهد شد،
- (۳) پیوند ویژگی یادشده با ویژگی ارتباط‌بخشی آن با سایر حلقه‌های شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران و سایر شبکه‌ها. این ویژگی، بازدارندگی منطقه‌ای شبکه‌ای را سبب خواهد شد.

## ۳-۷-۱. بازدارندگی مثلی

به طور کلی، اصول منطقی زیر که بیانگر محیط راهبردی خلیج فارس می‌باشد، بازدارندگی مثلی را به‌عنوان نظام کارآمد بازدارندگی مطرح می‌نماید:

(۱) با توجه به حضور قدرت مداخله‌گر در خلیج فارس، تهدیدها از نوع ناهمگون می‌باشد،

(۲) نظم منطقه‌ای تهدیدکننده ج.ا.ایران ناهمگون می‌باشد،

(۳) راهبرد مثلی نمودن بازدارندگی (Harkavy, 1998: 63-88) از جمله الزام‌های نظم

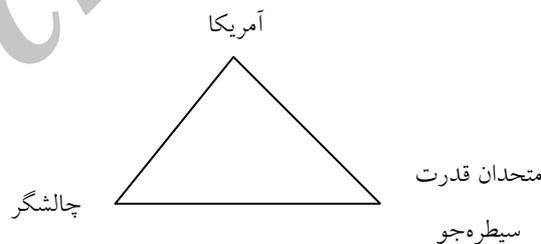
ناهمگون منطقه‌ای است،

(۴) بیشتر کشورهای منطقه خلیج فارس در زمره متحدان منطقه‌ای آمریکا و همکار

راهبردی آن می‌باشند،

- (۵) کشورهای متحد آمریکا در برابر ایران دارای آسیب‌پذیری شدید هستند،
- (۶) عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس و چینش جغرافیایی آن مانع همگرایی و ادغام منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد،
- (۷) عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس و چینش جغرافیایی آن، توانی راهبردی در اختیار قدرت منطقه‌ای مانند ایران قرار می‌دهد،
- (۸) انتخاب عناصر یادشده برای ایجاد توازن در معادله ناهمگون قدرت توسط قدرت منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌باشد،
- (۹) با توجه به واقعیت‌های یادشده، نیروی نظامی متعارف قدرت منطقه‌ای (در مورد بازدارندگی متعارف رک به: Gerson, 2009: 32-48) ایران از کارایی لازم در برابر نیروی نظامی ناهمگون مداخله‌گر، در تهدید نقاط هدف راهبردی خلیج فارس برخوردار می‌باشد،
- (۱۰) نظام منطقه‌ای و جهانی، توان تحمل بلندمدت هزینه در منطقه خلیج فارس را نخواهد داشت،
- (۱۱) اعتبارسازی برای تحمیل هزینه بر مداخله‌گر و تداوم بخشی به آن با توجه به عناصر ژئوپلیتیک و جایگاه کانونی ایران در خلیج فارس امکان‌پذیر می‌باشد.

شکل شماره ۳. الگوی بازدارندگی مثلثی



## ۲-۷-۳. بازدارندگی شبکه‌ای

یکی دیگر از الگوهای بازدارندگی نوین، بازدارندگی شبکه‌ای است که در وضعیت نظم ناهمگون و حاکمیت الگوی قدرت نرم و هوشمند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در حوزه بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا. ایران و پیوند آن با محیط خلیج فارس، سه مسیر حیاتی تحت عنوان مسیر مبتنی بر عناصر ارتباطی ژئوپلیتیک، عناصر ارتباطی ژئواکونومیک و عناصر ارتباطی ژئوکالچری در شبکه‌سازی و شبکه‌ای نمودن بازدارندگی وجود دارد. در این میان، قدرت کانونی ایران به‌عنوان گره پیوندی مطرح می‌باشد که این کشور با توجه به عناصر و خصالت‌های سه‌گانه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری، توان کارگزاری این شبکه‌سازی را خواهد داشت.

نکته مهم این است که شبکه‌ها گونه‌بندی مختلفی دارند که شامل شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری می‌شود که هر کدام بر اساس ساختار قدرت و چینش روابط و چگالی آن، به انواع ریزتری تقسیم می‌شوند، اما لازمه شبکه‌سازی داشتن توانایی‌های ارتباطی در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری می‌باشد. موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس از جمله عوامل مهم ژئوپلیتیکی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق آن، پیوند و حلقه نوین ایجاد کند. در این میان اصول زیر قابل طرح می‌باشد:

- (۱) ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی با چرخه جهانی قدرت در ارتباط مستقیم می‌باشد،
- (۲) چرخه جهانی قدرت با سلطه ایالات متحده در حال نزول خواهد بود،
- (۳) چین از جمله قدرت‌هایی است که در حال تکمیل و تکامل بخشیدن به جایگاه خود در چرخه جهانی قدرت می‌باشد؛
- (۴) در چرخه جهانی قدرت، رقابت راهبردی بین چین و آمریکا است،
- (۵) خلیج فارس و اقیانوس هند از مسیر پاکستان و افغانستان، صحنه عملیاتی

آمریکا در ساختار نوین ژئوپلیتیک می‌باشد و این گستره در حال تبدیل شدن به حلقه نوین راهبردی و گسترش شبکه منطقه‌ای با نقطه شروع خلیج فارس می‌باشد، (۶) ج.ا.ایران پیوند و به عبارت شبکه‌ای، گره حلقه‌های چنین شبکه نوینی است، (۷) با محوریت ایران یکی از مسیرهای شکل‌گیری شبکه نوین، گسترش حوزه خلیج فارس به آسیای مرکزی، خاورمیانه شمالی، هند و شبه قاره می‌باشد، (۸) از بُعد ژئواکونومیک، اهمیت خلیج فارس در تولید منابع نفت و گاز و اهمیت ج.ا.ایران در ترسیم شبکه انتقال انرژی، شبه قاره هند، شمال خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز در حلقه اول، و اروپا در حلقه دوم شبکه را با یکدیگر پیوند می‌دهد، (۹) از بُعد ژئوکالچری نیز پیوندسازی خویشاوندی، قومی و نژادی در گستره یادشده با مرکزیت ایران امکان‌پذیر است.

به این ترتیب از منظر امکان‌سنجی محیط راهبردی خلیج فارس، ج.ا.ایران به‌عنوان قدرت کانونی، توان شکل‌بخشی به شبکه متداخل منطقه‌ای نوینی را دارد که از طریق برقراری فرایند بازخورانی بین شبکه‌های فرعی درون آن از یک‌سو و مدیریت در پیوند کارکردی آن با شبکه جهانی، معادله تهدید در وضعیت ناهمگون حضور مداخله‌گر را در محیط پیرامونی خود، موازنه‌سازی می‌نماید و نظام بازدارندگی شبکه‌ای را شکل می‌دهد. ترسیم چنین پیوندهای شبکه‌ای را می‌توان به شکل زیر نشان داد:

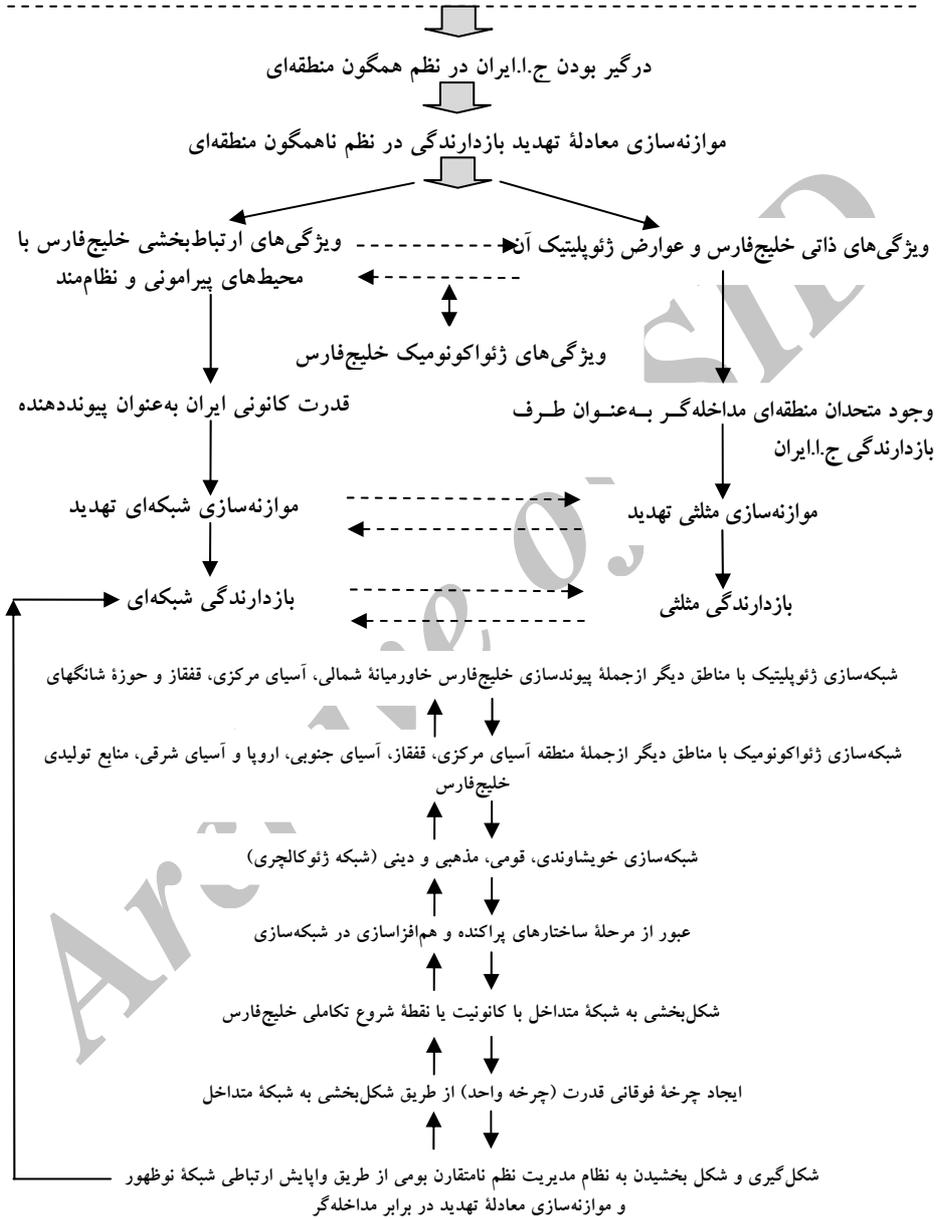


## نتیجه گیری

تأثیرگذاری محیط راهبردی خلیج فارس بر نظام بازدارندگی ایران را می‌توان در قالب الگوی زیر نشان داد. در این الگو، با توجه به موقعیت خلیج فارس و درگیر شدن قدرت مداخله‌گر در این شبکه، ایران با نوعی نظم ناهمگون روبه‌رو می‌باشد، بنابراین جمهوری اسلامی برای طراحی نظام بازدارندگی به عناصر و متغیرهایی نیاز دارد که تهدید را به‌عنوان هسته و موتور محرکه بازدارندگی، خلق معادله آن را موازنه بخشد. در همین راستا، ویژگی‌های متعدد خلیج فارس از جمله ویژگی‌های ذاتی و عناصر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ارتباطبخشی آن، چنین توانی را در اختیار آن قرار می‌دهد و به عبارتی مواد و عناصر اولیه مورد نیاز برای شکل دادن به نظام بازدارندگی را در اختیار آن قرار می‌دهد. در همین راستا، عناصر یادشده، موازنه‌سازی از نوع مثلثی و شبکه‌ای را به‌عنوان مبنای دو نوع نظام بازدارندگی مثلثی و شبکه‌ای، سبب می‌گردد. در این راستا، حوزه خلیج فارس با ویژگی‌های خود، زمینه طراحی بازدارندگی مثلثی را امکان‌پذیر می‌سازد. از جمله چنین ویژگی‌هایی، ارزش و اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خلیج فارس می‌باشد. این دو ارزش، منطقه و عناصر آن را برای قدرت مداخله‌گر حیاتی می‌نماید و سبب شکل‌گیری منافع راهبردی آن در منطقه خواهد شد؛ منفعی که هرگونه تهدید علیه آن، تأثیر مستقیمی بر بقا و رفاه آن خواهد داشت. از سوی دیگر، متحدان منطقه‌ای آن نیز در حوزه عملیاتی ج.ا.ایران قرار دارند. این در حالی است که چنین متحدانی با وجود ارزش راهبردی برای مداخله‌گر به‌شدت آسیب‌پذیر بوده و در معرض تهدیدهای معتبر ج.ا.ایران قرار دارند. به این ترتیب، ویژگی‌های یادشده، موازنه‌سازی مثلثی در برابر تهدیدهای آمریکا به‌عنوان مداخله‌گر را امکان‌پذیر می‌نماید. به عبارتی، بازدارندگی مثلثی که بازدارندگی از نوع غیرمستقیم می‌باشد را امکان‌پذیر خواهد ساخت.

از سوی دیگر، ویژگی‌های خلیج فارس نوعی پیوند کارکردی بین این منطقه و سایر مناطق موجود در شبکه جهانی را سبب می‌گردد. در اینجا، ویژگی ارتباطی و تأمین‌کنندگی منابع نظام جهانی و خرده‌شبکه‌های آن مورد نظر می‌باشد. در واقع، بازدارندگی از طریق ارتباط‌سازی مورد نظر می‌باشد. به عبارتی، عناصر نظام بازدارندگی بر پایه خصلت ارتباطی خلیج فارس شکل می‌گیرد. در این نوع بازدارندگی، فرایندهای بازخورانی بین مناطق مختلف شبکه مورد تأکید خواهد بود. در حقیقت، تهدیدها و تهدیدسازی به‌عنوان محور شکل‌دهنده به بازدارندگی بر اساس واپایش فرایند ارتباطی و بازخورانی بین مناطق مختلف و از این طریق، متأثرسازی دیگر مناطق و نظام جهانی از تحولات داخل منطقه خلیج فارس تحقق می‌یابد. در حقیقت، طرف‌های نوینی وارد عرصه خواهند شد که می‌توانند به‌عنوان بازدارنده تهدید مداخله‌گر علیه ج.ا.ایران عمل نمایند. این نوع شبکه‌سازی بر اساس پویایی‌های شبکه در قالب‌های مختلفی امکان‌پذیر می‌باشد. اولین شکل ارتباط‌سازی بر اساس پیوندهای ژئوپلیتیک و صحنه عملیات و خصلت ارتباط‌بخشی ژئوپلیتیکی آن می‌باشد. دومین شکل از شبکه‌سازی بر اساس پیوند کارکردی بین خلیج فارس و سایر مناطق جهان خواهد بود که عمده چنین پیوندی بر اساس کارکرد انرژی در اقتصاد جهانی است. سرانجام پیوند ژئوکالچری خلیج فارس و سایر مناطق از طریق ج.ا.ایران خواهد بود که مجموعه چنین پیوندهایی نوعی ابرشبکه منطقه‌ای را در حوزه راهبردی ج.ا.ایران سبب می‌شود. سازوکارهای چنین طراحی را می‌توان به شکل زیر نشان داد.

شکل شماره ۵. تأثیرگذاری محیط راهبردی خلیج فارس بر نظام بازدارندگی ایران



- به نظر می‌رسد مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی پیشنهادی برای ج.ا.ایران عبارتند از:
- (۱) پیوندبخشی بین خلیج فارس و مناطق پیرامونی از جمله آسیای مرکزی و قفقاز، شبه قاره هند بر اساس بهره‌گیری از پویایی‌های ادغام‌کننده از جمله پویایی‌های اقتصادی و ارتباطی،
  - (۲) شکل کل بخشی به ابرشبکه منطقه‌ای بر اساس پویایی‌های یادشده،
  - (۳) شکل بخشی به شبکه متداخل با مرکزیت یا نقطه شروع تکاملی خلیج فارس،
  - (۴) برقراری پیوند بین ساختارهای پراکنده و برقراری هم‌افزایی بین آنها از جمله ساختارهای پراکنده حلقه خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا، آسیای مرکزی، قفقاز (Sadeghzadeh, 2008: 2-4)، آسیای جنوبی و لایه‌های دوم و سوم مانند اروپا با بهره‌گیری از ویژگی‌های ژئواکونومیک منطقه خلیج فارس و پیوند این ویژگی با نیازهای مناطق پیرامونی به عنوان نقطه شروع هم‌افزایی شبکه‌ای،
  - (۵) شبکه ارتباطی گاز و ایجاد رژیم منسجم در این خصوص و در نتیجه ایجاد پیوندهای جدید کارکردی و بهره‌گیری از حلقه‌های باخورانی آن برای تقویت نظام بازاریابی منطقه‌ای،
  - (۶) راهبرد درگیرسازی (شامل‌سازی) واحدهای بیشتر در امور مربوط به حوزه بازاریابی خود از طریق شبکه‌سازی و بهره‌گیری از آن در برابر قدرت مداخله‌گر از طریق شبکه‌سازی نرم ژئوکالچر و ژئواکونومیک با ادغام خلیج فارس در درون حلقه‌های ابرشبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران،
  - (۷) ترسیم حوزه قدرت سخت بازاریابی منطقه‌ای از طریق انتخاب متحدان راهبردی مداخله‌گر به عنوان نقطه هدف و در صورت لزوم معتبرسازی تهدیدها،
  - (۸) فراهم‌سازی ابزارهای راهبردی متناسب با نوع نقاط هدف در خلیج فارس،
  - (۹) انتخاب راهبرد دفاعی و تهاجمی بازاریابی بر اساس اصل نظم ناهمگون و بهره‌گیری از ویژگی‌های خلیج فارس در همگون‌سازی نظم موردنظر در برابر مداخله‌گر.

## منابع و مآخذ

## ۱. منابع فارسی

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستینچی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۰)، *نظام بین‌الملل، بازدارندگی و همپایگی استراتژیک*، تهران، قومس.
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۳)، بازدارندگی و نظم نوین جهانی، *سیاست دفاعی*، سال دوم، شماره ۲.
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)، *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، قومس.
۵. امیری، مهدی (۱۳۸۵)، بازدارندگی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۱۱.
۶. بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۱)، جهانی شدن و بازدارندگی هسته‌ای، *سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۳.
۷. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، *تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس*، تهران، قومس.
۸. رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، *چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۹. سجادیپور، محمداکظم (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی ایران*، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۱. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، میزان.
۱۲. عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، *سیاست دفاعی*، سال هفتم، شماره ۱.
۱۳. عسگری، محمود (۱۳۸۵)، بازدارندگی در سیاست بین‌الملل، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۴. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران، نشر میزان.
۱۵. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره اول.
۱۶. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره ۳.
۱۷. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، تهران، نشر میزان.
۱۸. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، بازسازی مفهومی نظریه بازدارندگی منطقه‌ای و طراحی الگوهای آن بر اساس نظریه چرخه قدرت و شبکه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۳۸.

۱۹. قاسمی، فرهاد (زمستان ۱۳۸۳)، نگرشی تئوریک بر مدل جنگ و بازدارندگی، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
۲۰. کرمی، جهانگیر (۱۳۷۲)، مطالعه سیستم امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس (از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۸)، *سیاست دفاعی*، سال دوم، شماره ۱.
۲۱. گارن، دیوید (۱۳۷۹)، *ضرورت‌های بازدارندگی*، ترجمه سعید کافی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۲. مهدوی، هوشنگ (۱۳۵۷)، *تاریخ روابط خارجی ایران، از ابتدای دوران صفوی تا پایان جنگ جهانی دوم جهانی*، تهران، امیرکبیر.

## ۲. منابع انگلیسی

- Ekovich, Steven (2004), *Iran and New Threat in the Persian Gulf and Middle East*, Foreign Policy Research Institute.
- Gerson, Michael (2009), Conventional Deterrence in the Second Nuclear Age, *Parameters*, vol. 39, No. 3.
- Harkavy, Robert E (1998), Triangular or Indirect Deterrence/ Compliance: Something New in Deterrence Theory?, *Comparative Strategy*, vol 17, Issue 1.
- Lemke, Douglas (2002), *Regions of War and Peace*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Paul, Huth (1999), Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debates, *annul Review, Political Science*.
- Paul, Jabber and Sick, Gary and Okazaki, Hisaahiko and Moisi, Domini (1988), Great Power Interests in the Persian Gulf, *Foreign Relation*, United States.
- Russell, James, and Moran, Daniel (2009), Extended Deterrence, Security Guarantees, and Nuclear Proliferation: Strategic Stability in the Gulf Region, Conference Held at the Gulf Research Center Dubai, United Arab Emirates (UAE).
- Sadeghzadeh, Kaweh (2008), Iran's Strategy in the South Caucasus, *Caucasian Review of International Affairs*, vol. 2
- Slantchev, Branislav (2005), *Introduction to International Relations*, Lecture 8: Deterrence and Compellence, Department of Political Science, University Of California-San Diego.
- Sokolsky, Richard (2003), *The United States and Persian Gulf: Reshaping Security Strategy, for the Post Containment Era*, National Defense University Press.
- Zagare, Frank (1985), Toward a Reformulation of the Theory of Mutual Deterrence, *International Studies Quarterly*, 29.
- Zager, Frank and Kilgour, Marc (2000), *Perfect Deterrence*, Cambridge, Cambridge University Press.